

نقش زنان در تقویت و تضعیف نظام‌های مردم‌سالار از منظر

فقه خانواده

صدیقه محقق^۱

چکیده

در فقه اسلامی و به‌ویژه فقه خانواده، جایگاه زن در خانواده و جامعه به‌عنوان عنصر محوری در تحکیم یا تضعیف نظام‌های اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. نظام مردم‌سالار که بر اصول مشارکت عمومی و احترام به حقوق افراد استوار است، نیازمند تعامل پویا و فعال تمامی اقشار جامعه، از جمله زنان، در عرصه‌های مختلف است. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که از منظر فقه خانواده، زنان از طریق تربیت فرزندان براساس آموزه‌های دینی و اخلاقی و ترویج ارزش‌های اسلامی، می‌توانند به تقویت فرهنگ احترام به حقوق، عدالت و مشارکت در اجتماع کمک کنند. در عرصه عمومی نیز، فقه خانواده مشارکت زنان را در چارچوب‌های مشروع شریعت می‌پذیرد. این مقاله با هدف تکیه بر اصول و مبانی فقه خانواده، به بررسی تأثیر حضور و مشارکت زنان در دو جنبه تقویت و تضعیف نظام‌های مردم‌سالار پرداخته و به چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این حوزه می‌پردازد؛ بنابراین، این نوشتار با رویکرد توصیفی - تحلیلی و از طریق بررسی متون فقهی به این هدف دست یافته است.

کلمات کلیدی: نظام مردم‌سالار، زنان، فقه خانواده، تضعیف نظام، تقویت نظام.

پژوه سطح چهار فقه خانواده، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، . استاد و دانش‌1
العالمیة، قم، ایران، شماره تماس: ۰۹۳۵۶۳۲۳۸۳۸، ایمیل: smohaghegh22@gmail.com

تاریخ نشانگر اسیری، بردگی و بی‌ارزشی زنان در جوامع مختلف، حتی در میان متمدن‌ها در مقایسه با مردان بوده است. در میان اعراب قبل از اسلام نیز وضع تأسف‌باری وجود داشت و با زن برخورد‌های وحشیانه‌ای می‌شد و اساساً او را مخالف حیثیت و آبروی خویش تصور نموده و در اکثر موارد دختران خود را زنده‌به‌گور می‌کردند و قرآن به این رسم غیرانسانی اشاره کرده است (نحل: ۵۸-۵۹). اما با ظهور اسلام، خط بطلان بر این بی‌عدالتی‌ها کشیده شد و قانون تساوی زن و مرد را اعلام کرد و برتری را در تقوا و پرهیزکاری دانست (نظری و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۷۶).

در فقه اسلامی و به‌ویژه فقه خانواده، جایگاه زن در خانواده و جامعه به‌عنوان عنصر محوری در تحکیم یا تضعیف نظام‌های اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. نظام مردم‌سالار که بر اصول مشارکت عمومی و احترام به حقوق افراد استوار است، نیازمند تعامل پویا و فعال تمامی اقشار جامعه، از جمله زنان، در عرصه‌های مختلف است. از منظر فقه خانواده، زنان با ایفای نقش‌های همسری، مادری و تربیتی می‌توانند به‌عنوان عاملی مهم در نهادینه‌سازی فرهنگ مردم‌سالار در سطح خانواده و جامعه عمل کنند. زنان از طریق تربیت فرزندان براساس آموزه‌های دینی و اخلاقی و ترویج ارزش‌های اسلامی، می‌توانند به تقویت فرهنگ احترام به حقوق، عدالت، و مشارکت در اجتماع کمک کنند؛ بنابراین، ضروری است تا نقش زنان در نظام‌های مردم‌سالار مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

نباید غفلت کرد که نقش زن در تربیت و ساختن نسلی صالح و مصلح، به سبب برخورداری از عواطف و جاذبه‌های مختلف (قدرت نرم) بی‌بدیل و غیرقابل رقابت است. زن مایه آرامش و پایه تشکیل و استقرار خانواده و خانواده اساس تشکیل جامعه است: (ر.ک: روم: ۲۱). زن با عواطف عمیق، عشق سرشار و ایثارگری خود می‌تواند نقش مهمی در تربیت فرزند و آرامش خانه برای شوهر و فرزندان ایفا کند. شاید روایت «الجنة تحت اقدام الامهات» (متقی هندی ۱۴۰۹: ج ۱۶، ص ۴۶۱) مبین این معنا باشد که بهشت و بهشتیان را در واقع زنان با رفتار خود می‌سازند.



آنچه برای استحکام یک خانواده و در نتیجه انسجام اجتماعی و نظام مردم‌سالاری مهم است، نقش برتر تربیت است. با توجه به این کارکرد، اسلام عنایت ویژه‌ای به سلامت زن داشته است، برای او حقوقی و در برابر تکالیفی تعیین کرده است که موجب تعادل وی و اعتدال جامعه و در نهایت تعادل و اعتدال جامعه مردم‌سالار خواهد شد (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ص ۴۶).

در عرصه عمومی نیز، فقه خانواده مشارکت زنان را در چارچوب‌های مشروع شریعت می‌پذیرد. حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه در مقام‌های تصمیم‌گیری و نظارت بر اجرای قوانین، می‌تواند عامل تقویت نظام مردم‌سالار باشد. با این حال، برخی دیدگاه‌های فقهی محدودیت‌هایی را بر مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی قائل هستند که ممکن است تأثیرات منفی بر پویایی و استحکام مردم‌سالاری داشته باشد.

درباره مردم‌سالاری کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری نگارش یافته است؛ مانند کتاب مردم‌سالاری دینی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای تألیف مهدی سعیدی، کتاب مردم‌سالاری دینی در نهج البلاغه تألیف علی کربلایی پازوکی، کتاب‌گذار بر مردم‌سالاری تألیف حسین بشیریه، مقاله «مردم‌سالاری دینی پاسخ بنیادین حکومت دینی» تألیف سید همایون مصباح و پایان‌نامه نقش مردم در مراحل تشکیل و استمرار نظام مردم‌سالاری دینی با تأکید بر حکومت علوی نوشته محمد محسن اشرفیان؛ اما در هیچ‌یک از آثار نام‌برده، به نقش زنان در تقویت و تضعیف نظام مردم‌سالار با دیدگاه فقهی اشاره نشده است.

این نوشتار با هدف بررسی نقش زنان در تقویت و تضعیف نظام‌های مردم‌سالار و آگاه‌سازی نخبگان علمی در جهت ارائه راهکارهای مناسب برای زدودن موانع تضعیف به روش توصیفی - تحلیلی، در محدوده فقه خانواده و با استفاده از منابع معتبر فقهی و سیاسی به رشته تحریر درآمده است.

تعریف مردم‌سالاری



مردم‌سالاری به معنای دموکراسی و ضداستبداد است (www.abadis.ir) و دموکراسی به معنای «حکومت مردم» است (آشوری، ۱۳۵۷: ذیل کلمه؛ دارابکلایی، ۱۳۸۸: ذیل کلمه).

از آنجاکه عنوان این نوشتار فقهی است، باید به تعریف مردم‌سالاری دینی نیز اشاره شود. مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی، شیوه‌ای از زندگی سیاسی مسلمانان در جهان مدرن دانسته شده است (<https://kadivar.com>) که بر مشروعیت الهی - مردمی حکومت تأکید می‌کند (درویش، ۱۳۸۹: ص ۴۵). براین اساس، در مردم‌سالاری دینی جوهره دموکراسی به رسمیت شناخته شده و در کنار آن با پذیرش مرجعیت دین به‌عنوان منبع معرفت‌شناختی، به توجیه و تحلیل حکومت مردم پرداخته می‌شود (میراحمدی، ۱۳۸۸: ص ۲۰۷؛ میراحمدی، ۱۳۸۶: ص ۲۰۷-۲۰۸).

نظام مردم‌سالار دینی نظامی است که دو مؤلفه در آن لحاظ شده است: مردم‌سالاری و دینی بودن. بنابراین، نظامی مردم‌سالار دینی است که شاخص‌های هر دو مؤلفه را داشته باشد. شاخص‌های مردم‌سالاری در نظام مردم‌سالار دینی قاعدتاً با شاخص‌های مردم‌سالاری در نظام‌های دیگر متفاوت است. از آنجاکه واژه «دینی» صفت واژه «مردم‌سالاری» است، حاکی از نوعی از مردم‌سالاری است که در چهارچوب دین باشد؛ چنان‌که در اصطلاح «دموکراسی لیبرال» یا «لیبرال دموکراسی» نیز منظور، نوعی از دموکراسی است که در چهارچوب اصول لیبرالیسم است. نظام مردم‌سالاری دینی دارای شاخص‌هایی است که می‌تواند ملاکی برای سنجش ماهیت و عملکرد آن باشد (ابوطالبی، ۱۳۹۲، <https://farsi.khamenei.ir>).

نقش زنان در تقویت نظام مردم‌سالاری

زنان در جوامع مردم‌سالار می‌توانند از طریق ازدیاد نسل و جمعیت و تربیت فرزندان، به تقویت مردم‌سالاری کمک کنند. والدگری دموکراتیک روشی تربیتی است که براساس احترام متقابل، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد فضا برای تعامل و گفت‌وگو میان والدین و فرزندان بنا شده است. اعتقاد این نوع والدگری این است که کودکان نیز به‌عنوان عضو خانواده، دارای حق شرکت در



تصمیم‌گیری‌ها هستند و می‌توانند نظرات و احساسات خود را بیان کنند. در والدگری دموکراتیک، والدین به ایفای نقش راهنما و مشاور می‌پردازند و به جای اعمال اقتدار مطلق، سعی دارند با فرزندان خود به توافق برسند و از آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری‌ها استفاده کنند. این رویکرد تربیتی بر این باور استوار است که کودکان به وسیله مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، احساس خاص ارزشمندی و مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به قبل پیدا می‌کنند. همچنین والدگری دموکراتیک می‌تواند به کودکان کمک کند تا مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی خود را تقویت کنند و از والدین خود یاد بگیرند که چگونه با دیگران تعامل مثبت داشته باشند. به همین دلیل، این نوع سبک والدگری می‌تواند کمک شایانی به رشد و توسعه همه‌جانبه کودکان داشته باشد و آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های زندگی آماده کند» (هاشمی، ۱۴۰۳، <https://moshaverinhamrah.com>).

الف) فرزندآوری و تقویت ارزش‌های مردم‌سالاری

از گذشته تاکنون، فرزندآوری برای بقای نسل و جلوگیری از کاهش جمعیت مسلمانان، جزئی از دغدغه‌های عالمان دین و کارشناسان خانواده و جمعیت بوده است. جمعیت زیاد می‌تواند بر ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع مردم‌سالار تأثیرگذار باشد. آیه‌ای در قرآن مجید یافت نشده که به صورت صریح و مستقیم دستور به فرزندآوری را بیان کرده باشد؛ اما در بسیاری از آیات قرآن، فرزندآوری با ویژگی‌ها و تعابیری توصیف شده که جای هیچ شک و شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد که در گفتمان و حیانی این کتاب مقدس، موضوع فرزندآوری و ازدیاد نسل امری مطلوب و پسندیده است. در آیه ۱۴ سوره آل عمران، از فرزندان به‌عنوان متاع یاد شده و آمده است: ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَإِ﴾؛ دوستی خواستنی‌های گوناگون از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشان‌دار و دام‌ها و کشتزارها برای مردم آراسته شده؛ لیکن این جمله مایه تمتع زندگی دنیاست و حال آنکه فرجام نیکو نزد خداست.



اهمیت ذاتی فرزند و جایگاه آن، نه تنها در روایات متعدد بیان شده، بلکه به مطالبه فرزند نیز امر شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است:

«أَطْلُبُوا الْوَلَدَ وَالْتَمِسُوهُ فَإِنَّهُ قُرَّةُ الْعَيْنِ وَرِيحَانَةُ الْقَلْبِ»؛ فرزند بخواید و آن را طلب کنید؛ چرا که مایع روشنی چشم و شادی قلب است (طبرسی، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۴۸۰).

آنچه از آموزه‌های قرآنی و روایی برداشت می‌شود، مطلوبیت افزایش کمی و کیفی نسل است که خود داشتن اولاد صالح، مایه مباهات پیشوایان دین نیز قرار گرفته است.

دیدگاه فقیهان در خصوص فرزندآوری و این موضوع که آیا استیلا از آثار نکاح است یا خیر، متفاوت است. با بررسی مسئله عزل، پاسخ این سؤال به دست می‌آید. برخی از فقها قائل به حرمت عزل بدون رضایت زن می‌باشند (مفید، ۱۴۱۳: ص ۵۱۶). شیخ طوسی می‌گوید:

«عزل نمودن از زن آزاد تنها با رضایت وی جایز است؛ بنابراین، چنانچه زوج بدون رضایت وی اقدام به عزل نماید، گناه نموده و باید ده دینار دیه بپردازد (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۳۵۹).

طبق این دیدگاه، عزل جایز نیست؛ بنابراین، فرزندآوری از آثار و لوازم نکاح است. همچنین دلیل دیگر برای حرمت عزل، منافات داشتن عزل با غرض شارع از تشریح نکاح است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ص ۷۱)؛ زیرا هدف از نکاح، استیلا است که در روایتی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است:

«ازدواج کنید تا نسل شما فزونی گیرد که من به فزونی جمعیت شما، حتی به فرزندان سقط شده در قیامت به دیگر امت‌ها مباهات می‌کنم» (مجلسی، ۱۴۱۰: ج ۱۷، ص ۲۵۹).

عزل کردن با تکثیر نسل هم منافات دارد؛ در نتیجه جایز نیست.

عده‌ای دیگر از فقها به کراهت عزل بدون اذن زن نظر داده‌اند (محقق حلّی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۱۴؛ کلینی، ۱۴۱۱: ج ۵، ص ۵۰۴). مشهور فقها قائل به کراهت عزل هستند و حتی اگر برخی آن را حرام بدانند، در صورت رضایت زن جایز است. در مورد زنان هم مطرح است که آیا زن



می‌تواند از بچه‌دار شدن موقتی جلوگیری کند، در حالی که شوهر رضایت ندارد؟ برخی از فقها بین زن و مرد قائل به تفصیل شده‌اند: حضرت امام خمینی علیه السلام در این باره معتقد است:

«جلوگیری بدون رضایت شوهر برای زن جایز نیست؛ ولی اگر مرد جلوگیری کند مانع ندارد، گرچه زن رضایت نداشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ج ۸، ص ۴۴۱).

ب) تربیت فرزندان و تقویت ارزش‌های مردم‌سالاری

از منظر فقه، تربیت فرزندان در اسلام و فقه شیعه به‌عنوان یک مسئولیت بزرگ و مقدس شناخته می‌شود که نه تنها بر جنبه‌های فردی زندگی انسان تأثیر می‌گذارد، بلکه نقشی کلیدی در ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه ایفا می‌کند. نباید غفلت کرد که نقش زن در تربیت و ساختن نسلی صالح و مصلح به سبب برخورداری از عواطف و جاذبه‌های مختلف (قدرت نرم) بی‌بدیل و غیرقابل رقابت است. زن مایه آرامش و پایه تشکیل و استقرار خانواده و خانواده اساس تشکیل جامعه است (ر.ک: روم: ۲۱). زن با عواطف عمیق، عشق سرشار و ایثارگری خود می‌تواند نقش مهمی را در تربیت فرزند و آرامش خانه برای شوهر و فرزندان ایفا کند. شاید روایت «الجنة تحت اقدام الامهات» (متقی هندی ۱۴۰۹: ج ۱۶، ص ۴۶۱) مبین این معنا باشد که بهشت و بهشتیان را در واقع زنان با رفتار خود می‌سازند. در این میان، ارزش‌های مردم‌سالاری از جمله عدالت، مشارکت و احترام به حقوق دیگران، مفاهیمی هستند که در تربیت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و می‌توانند در نهادینه‌سازی این ارزش‌ها در نسل‌های آینده مؤثر باشند.

در منابع فقهی، به تربیت اعتقادی و تربیت اخلاقی فرزندان و وظایف والدین در این ساحت توجه شده است؛ بدین صورت که صیانت فرزند از آنچه موجب فساد اخلاق و عقیده‌اش می‌شود، واجب است (خمینی، روح‌ا...، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۴) و باید برای جلوگیری از فروافتادن فرزند در ورطه خسران، فساد و معاصی مواظبت نمود و وی را از گناهان منع کرد (یزدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۷۴۲؛ خوبی، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۳۱۲) و به اخلاق و آداب نیکو عادت داد (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۲۸۲).



۱. عدالت اجتماعی

عدالت یکی از اصول اساسی در نظام‌های مردم‌سالار است که در اسلام نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. در تربیت اسلامی، والدین موظف‌اند که با فرزندان خود به طور عادلانه رفتار کنند و از هرگونه تبعیض پرهیز نمایند. این رفتار عادلانه به کودکان می‌آموزد که عدالت، نه تنها در روابط فردی، بلکه در روابط اجتماعی نیز باید رعایت شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید:

«اعدلوا بین اولادکم کما تحبون أن يعدلوا بینکم فی البرّ و اللطف»؛ میان فرزندان‌تان به عدالت رفتار کنید، همان‌گونه که دوست دارید با شما در نیکی و ملاحظت به عدالت رفتار شود (مجلسی، ۱۴۱۰: ج ۱۰۱، ص ۹۲).

این حدیث به وضوح بیان می‌کند که عدالت باید در تمامی جنبه‌های زندگی، از جمله در روابط میان والدین و فرزندان، رعایت شود. برای مثال، اگر والدین به طور یکسان به نیازها و خواسته‌های فرزندان خود پاسخ دهند و از تبعیض در اختصاص محبت و توجه خود به آن‌ها پرهیز کنند، در حقیقت اصول عدالت را در تربیت فرزندان خود پیاده کرده‌اند. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که عدالت در تربیت، موجب تقویت احساس امنیت روانی و اجتماعی در فرزندان می‌شود و آنان را برای ایفای مسئولیت‌های خود در جامعه به عنوان اعضای فعال و عادل آماده می‌سازد (طهرانی مقدم و شریعت باقری، ۲۰۱۷، <file:///C:/Users/Hooshmand/Documents>). به علاوه، این رفتارهای عادلانه می‌تواند در پرورش شهروندانی مؤثر در نظام‌های مردم‌سالار که به برابری و حقوق دیگران احترام می‌گذارند، نقش به‌سزایی داشته باشد.

۲. احترام به حقوق دیگران و تقویت مردم‌سالاری

یکی از اصول بنیادین مردم‌سالاری، احترام به حقوق دیگران است. حق الناس از نظر اسلام دارای شاخصه‌هایی چون احترام به مال مردم، احترام به جان مردم و حفظ آبروی دیگران و احترام به آن است. به عبارتی حق الناس در همه ابواب فقه وجود دارد و می‌توان گفت که بابتی از ابواب فقه اسلامی نیست، مگر اینکه مسائل فراوانی در زمینه حق الناس وجود دارد. پس باید دانست که



جامعه بر هر یک از اعضای خود حقوقی دارد که همگی به احترام و ادای آن موظف‌اند و عمل به آنچه آدمی، خود انتظار انجام آن را از دیگران دارد، پایین‌ترین درجه آن است؛ چنان‌که از امام صادق علیه السلام درباره حق مؤمن بر مؤمن سؤال شد، آن حضرت فرمود:

«... أَيْسَرُ حَقِّ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ...» (مجلسی، ۱۴۱۰: ج ۷۴، ص ۲۲۴)؛ کمترین میزان حقوق برادرت بر تو آن است که آنچه را برای خودت دوست می‌داری، برای او نیز دوست بداری و آنچه را برای خودت نمی‌پسندی، برای او نپسندی.

اگر شخصی در جامعه به حریم دیگران تجاوز نماید، حکومت اسلامی وظیفه دارد طبق قاعده لاضرر، ایذاء مؤمن، حرمت مؤمن و...، شخص را تحت پیگرد قانونی و مجازات اسلامی قرار دهد (عمارلو، ۱۴۰۳، <https://civilica.com>).

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق می‌فرماید: «هنگامی که کارها جهت داوری و صدور حکم به تو عرضه می‌شود، عدالت را مراعات کن. اجرای حق را در باره هر که باشد، چه خویش و چه بیگانه، لازم بدار و در این کار شکیبایی پیشه کن و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار؛ ... و تو چشم به سرانجام کار دار؛ هر چند تحمّل آن بر آنان سنگین آید، ولی سرانجامش دلنشین و پسندیده است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ص ۲۲۹). این بیان امام سجاد علیه السلام به‌وضوح بر آن تأکید دارد که در هر شرایطی باید حقوق دیگران رعایت شود و به‌ویژه در تربیت فرزندان، این اصل باید نهادینه گردد. احترام به حقوق دیگران، از جمله حقوق فردی و اجتماعی، یکی از اصول اساسی تربیت اسلامی است که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر رفتار اجتماعی فرزندان بگذارد. وقتی فرزندان در محیطی بزرگ می‌شوند که در آن حقوق دیگران محترم شمرده می‌شود، این رفتارها را در زندگی اجتماعی خود پیاده کرده و به شهروندانی مسئول و متعهد تبدیل می‌شوند.

۳. شرکت در مراسمات مذهبی اجتماعی

کودکان، متأثر از رفتار مادر و به تقلید از آن‌ها، به اعمال عبادی و مذهبی وی علاقه‌مند می‌شوند و این فرصتی است برای دعوت از فرزند در سنین کودکی برای اعمال مذهبی جمعی. بعد از خانواده،





کودکان اصولاً در پذیرش ارزش‌های دینی تابع دیگران، محیط و موقعیت اجتماعی هستند. کودک در این مرحله در مراسم و مجالس مذهبی شرکت می‌کند تا به موقعیت اجتماعی دست یابد و مورد قبول دیگران واقع شود. بدین ترتیب، عشق به خدا و معصومین علیهم‌السلام در وی قوی‌تر می‌شود. سپس کودکان و نوجوانان براساس دیدگاه شخص، خود ارزش‌ها و باورهای دینی را می‌پذیرند که پایدارترین شکل درک این مسئله است. در چنین شرایطی ارزش‌ها برای کودک یا نوجوان مقبولیت می‌یابد و درونی می‌شود.

مادران برای درونی کردن ارزش‌های دینی، از تحکم و اجبار دوری کنند و با پاسخ‌گویی صحیح به پرسش‌های نوجوان، سبب رشد درک و بینش هرچه بیشتر او شوند، تا وی در مسیر خودیابی و خودآگاهی حرکت کند و از مرحله پیروی از دیگران به مرحله «خودپیروی» سوق یابد. به‌وسیله اصل تشویق و تحسین، اصل اعتدال (عدم خستگی کودک)، اصل تابعیت و اصل الگویی مادر می‌تواند فرزند خود را برای مراسمات عبادی عمومی آماده کند (شمس، ۱۳۹۰: <https://shams47.blogfa.com>).

ج) حضور زنان در اجتماع و تقویت نظام‌های مردم‌سالار

با کاوش در آثار فقها و اندیشمندان سیاسی می‌توان گفت که شرط ذکوریت فقط در منصب امامت و رهبری معتبر است و دیگر مناصب سیاسی و اجتماعی برای زنان جایز است (فیاض کابلی، ۱۴۲۶: ص ۲۴۵) و شیخ طوسی در اشکال به آیه ﴿الرجال قوامون علی النساء﴾ که برخی قائل به توسعه ریاست تمام مردان در عرصه‌های اجتماعی بر زنان هستند، معتقد است: یعنی مردان در راستای ادای حقوق که زنان و همسران آن‌ها دارند، باید قیام کنند (طوسی، ۱۳۸۸: ج ۴، ص ۳۲۴). چه‌بسا زنانی که در عقل و تدبیر و قدرت مدیریت، از بسیاری از مردان برترند. علاوه بر آن، بهره زنان از عاطفه و نرم‌خویی بیشتر از مردان است که در برخی عرصه‌ها موفقیت بیشتری دارند. به همین دلیل در آیه تعبیر ﴿بعضهم علی بعض﴾ آمده که فضیلت‌های طرفینی را منعکس می‌کند. بنابراین، عمومیت ریاست مردان بر زنان، از آیه فهمیده نمی‌شود.



یکی دیگر از ارزش‌های کلیدی در مردم‌سالاری، مشارکت است. در نظام‌های دموکراتیک، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها به‌ویژه از طریق انتخابات و دیگر ابزارهای مدنی بسیار مهم است و حضور زنان در اجتماع و مشارکت آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، یکی از ارکان اساسی در توسعه و تقویت نظام‌های مردم‌سالار است. در جوامع مردم‌سالار، نه تنها حضور زنان در زندگی اجتماعی ضروری است؛ بلکه به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای تحقق عدالت، آزادی و حقوق بشر در نظر گرفته می‌شود. از منظر فقه اسلامی نیز، حضور زنان در اجتماع و مشارکت آنان در امور اجتماعی و سیاسی مورد تأکید قرار دارد. فقه اسلامی با رویکردی معتدل و متناسب با زمان و مکان، به زنان امکان می‌دهد تا نقش‌های مؤثری را در جامعه ایفا کنند.

از منظر فقهی، اسلام نیز مشارکت را در تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی و خانوادگی مورد تأکید قرار داده است. قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه ۱۵۹ می‌فرماید: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾؛ و در امور خود با آنان مشورت کن. با رجوع به منابع تفسیری، اهمیت مشورت روشن می‌شود. در تفسیر المیزان آمده است که مشورت در امور عامه است، نه در احکام الهی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۵۷). همچنین در تفسیر دیگر در اهمیت مشورت خطاب به پیامبر ﷺ آمده است: «تا اینکه از نظرات آن‌ها یاری بخواهی» (پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۵۱۰). مفسر بزرگ شیخ طبرسی در ذیل آیه آورده است: «تا با این کار اصحاب بدانند که پیامبر ﷺ به قول آن‌ها اعتماد دارد و به آرای آن‌ها مراجعه می‌کند و این کار، تجلیل از اصحاب بود» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۸۶۹).

نقش زنان در تضعیف نظام مردم‌سالار

نظام مردم‌سالار به‌عنوان یک ساختار حکومتی مبتنی بر اراده عمومی، همواره در تلاش است تا حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان، به‌ویژه زنان، به رسمیت شناخته شود. با این حال، برخی از موانع ساختاری و فرهنگی در جوامع مختلف ممکن است موجب تضعیف این نظام‌ها شود.

الف) موانع فرهنگی

۱. آسیب‌های مدرنیته شدن زنان و تضعیف مردم‌سالاری

از گذشته تاکنون، مادر مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی و هویت‌ساز بود؛ درحالی‌که اکنون با صنعتی شدن جوامع و ورود فناوری‌های مدرن، کارکردهای مادری و خانواده با چالش روبه‌روست که در ذیل به برخی از این آسیب‌ها اشاره می‌شود.

۲. جایگزینی ارزش‌های دینی مادر با فرهنگ و ارزش‌های غربی

با ورود فناوری مدرن، خانواده‌ها تحت تأثیر ارزش‌های آن قرار می‌گیرند. فضای امن و صمیمی خانواده با نادیده گرفتن ارزش‌ها و باید‌ها و نباید‌های دینی و اخلاقی، از بین می‌رود و کانون ثبات و آرامش گذشته، به فضای پراضطراب و بی‌ثبات و نامناسب برای رشد و تربیت اخلاقی و دینی فرزندان تبدیل می‌شود. مولانا در این باره می‌گوید:

«مسئله اصلی در جریان رواج فناوری‌های مدرن، ایدئولوژی یا ارزش‌های نهفته در توسعه و زیرساخت این فناوری‌ها و استفاده‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از آن‌هاست. به عبارت دیگر، بزرگراه‌های اطلاعاتی و ارتباطی، بی‌طرف و خالی از ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیستند. اهداف اصلی توسعه جهانی این‌گونه نظام‌های صنایع فرهنگی و اطلاعاتی که مخصوصاً با بازاریابی و روش‌های اقتصادی همراه هستند، این روزها دقیقاً مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و آگاهی از آن‌ها، شرط اول و لازم در هرگونه برنامه‌ریزی ملی است» (مولانا، ۱۳۸۰: ص ۲۱۵).

در جوامع غرب‌زده، خانواده ارزش و جایگاه خود را از دست می‌دهد، دچار انواع انحراف‌ها و ناهنجاری‌ها می‌شود و روابط اعضای خانواده را سرد و بی‌ثبات می‌کند.

۳. فردگرایی مادر و پیامدهای آن بر خانواده و جامعه

فردگرایی یکی از تأثیرات مهم مدرنیته است که روابط درون خانواده را دگرگون کرده و باعث شده است حقوق و منافع فردی بر مصالح خانواده و جامعه اولویت پیدا کند. در حالی که خانواده



به‌عنوان نهادی اجتماعی بر پایه جمع‌گرایی بنا شده است، فرهنگ مدرن با تأکید بر فردیت و تمایلات شخصی، افراد را از زندگی خانوادگی و اجتماعی دور می‌کند و نوعی خودمحوری را در میان اعضای خانواده گسترش می‌دهد (صادقی گیوی، ۱۳۸۱: ص ۱۷۱ - ۲۰۲). این روند، انسجام خانواده را تضعیف کرده و در نهایت، همبستگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری را کاهش می‌دهد. در حالی که مردم‌سالاری بر مشارکت عمومی استوار است، رشد فردگرایی می‌تواند این بنیان را متزلزل کند

۴. مصرف‌گرایی افراطی مادر و تأثیرات آن بر خانواده

یکی دیگر از آسیب‌های ناشی از مدرنیته، ترویج مصرف‌گرایی افراطی از طریق رسانه‌ها و تبلیغات است. سبک زندگی مدرن با ظاهری جذاب و فریبنده، خانواده‌ها را به سمت خریدهای غیرضروری و مصرف بی‌رویه سوق داده است. این گرایش، علاوه بر ایجاد مشکلات مالی، موجب افزایش فشارهای اقتصادی بر خانواده‌ها شده و آن‌ها را ناچار به اشتغال تمام‌وقت کرده است. در چنین شرایطی، اعضای خانواده زمان کمتری برای تعامل با یکدیگر دارند و به تدریج روابط خانوادگی سرد و کم‌رنگ می‌شود. افزایش مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی، باعث تقویت خودبینی و کاهش توجه به نیازهای جمعی شده و مانعی در برابر عدالت اجتماعی ایجاد می‌کند (یاوری وثاق، ۱۳۹۱: ص ۶).

۵. کاهش تمرکز مادران بر تربیت فرزندان

یکی از مهم‌ترین نقش‌های مادر در خانواده، مشارکت در تربیت فرزندان از طریق بازی، تفریح و تعامل عاطفی است. این ارتباط، نه تنها به رشد عاطفی و شخصیتی کودک کمک می‌کند، بلکه او را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازد. با این حال، امروزه رسانه‌ها و فناوری‌های نوین جایگاه ویژه‌ای در زندگی کودکان پیدا کرده‌اند و موجب کاهش تعامل مستقیم والدین با فرزندان شده‌اند. حضور گسترده ابزارهای مدرن در زندگی روزمره، باعث شده است که کودکان بیش‌ازپیش به این وسایل وابسته شوند و روابط خانوادگی تحت تأثیر قرار گیرد. در نتیجه، فرصت‌های ارتباطی میان والدین و فرزندان کاهش یافته و پیوندهای عاطفی خانواده سست شده است (همان).



ب) موانع سیاسی و اجتماعی در مشارکت زنان

یکی از چالش‌های تأثیرگذار بر مردم‌سالاری، نقش زنان در تحولات سیاسی و اجتماعی است. در بسیاری از جوامع سنتی و مذهبی، زنان به طور تاریخی از مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی محروم بوده‌اند. این محدودیت‌ها، به‌ویژه در جوامعی که ساختارهای مردسالار در آن‌ها حاکم است، می‌تواند منجر به تضعیف نهادهای دموکراتیک شود. در چنین جوامعی، زنان عمدتاً از طریق تأثیرات غیرمستقیم فرهنگی و اجتماعی، بر سیاست اثر می‌گذارند که این امر، دامنه نفوذ آن‌ها را در فرآیندهای مردم‌سالاری محدود می‌کند.

۱. تفاوت‌های حقوقی و تأثیر آن بر مردم‌سالاری

یکی دیگر از موانع مردم‌سالاری، تفاوت‌های قانونی و حقوقی میان زنان و مردان است. در برخی کشورها، قوانین تبعیض‌آمیز مانند محدودیت در حق رأی، نابرابری در حقوق اقتصادی و اجتماعی و کمبود فرصت‌های شغلی و آموزشی برای زنان، مشارکت آن‌ها را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کاهش داده است. این شرایط، نه تنها باعث کاهش حضور زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به نظام‌های مردم‌سالار را نیز تضعیف می‌کند.

۲. موانع اقتصادی و ساختاری در مشارکت زنان

علاوه بر موانع حقوقی، چالش‌های اقتصادی و ساختاری نیز نقش زنان را در سیاست و مدیریت جامعه محدود کرده است. عدم دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی و شغلی، همراه با فشارهای اقتصادی، سبب شده است که زنان در بسیاری از کشورها نتوانند به‌طور فعال در فرآیندهای دموکراتیک مشارکت داشته باشند. این موانع، در نهایت به کاهش پویایی سیاسی و تضعیف نهادهای مردم‌سالار منجر شده و بر توسعه و ثبات جوامع تأثیر منفی گذاشته است.

راهکارهای تقویت نظام مردم‌سالار از طریق مشارکت زنان



۱. ضرورت اصلاح نگرش‌ها و تقویت مشارکت زنان برای تقویت نهادهای مردم‌سالار و تحقق دموکراسی واقعی در جوامع اسلامی: ضروری است که نگرش‌ها و تفاسیر فقهی در راستای ترویج مشارکت بیشتر زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اصلاح شود. فقه اسلامی با توجه به اصول عدالت و کرامت انسانی، می‌تواند به طور مؤثر در ترغیب و تأسیس نهادهای مردم‌سالار متشکل از مشارکت فعال زنان نقش داشته باشد.

۲. بازنگری در مبانی فقهی با توجه به نیازهای امروزی: فقه پویا (یا فقه تطبیقی) به معنای به‌روزرسانی و بازنگری احکام فقهی متناسب با تحولات و نیازهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. در این رویکرد، اجتهاد و تحلیل‌های نوین از منابع فقهی صورت می‌گیرد تا احکام اسلام با اقتضانات جدید هم‌راستا شود. فقه پویا در مقایسه با فقه سنتی که بیشتر به تفسیرهای ثابت و جزمی می‌پردازد، با توجه به وضعیت‌های اجتماعی و نیازهای انسان‌های معاصر، پاسخ‌های نوینی به مسائل مختلف ارائه می‌دهد (خویی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۲۳۲-۲۵۰).

نتیجه‌گیری

تأثیر زنان بر نظام‌های مردم‌سالار، به‌خصوص مردم‌سالاری دینی، امری مهم و غیرقابل چشم‌پوشی است و این مسئله در دو گام مورد بررسی قرار می‌گیرد:

گام اول: نقش زنان در تقویت نظام‌های مردم‌سالار، که با فرزندآوری و ازیاد جمعیت، به این مهم کمک می‌کنند؛ چراکه جمعیت زیاد موجب قدرت و استحکام هر جامعه‌ای خواهد شد. سپس با تربیت صحیح فرزندان و آموزش مؤلفه‌هایی چون رعایت عدالت اجتماعی، احترام به حقوق دیگران، تشویق فرزندان به شرکت در مراسمات مذهبی و اجتماعی عمومی، کمک به تقویت نظام مردم‌سالار و همچنین حضور زنان در اجتماع، موجب تقویت خواهد شد؛ زیرا زنان نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می‌دهند.

گام دوم: تأثیر زنان بر تضعیف نظام‌های مردم‌سالار است که می‌توان به موانع فرهنگی همچون آسیب‌های مدرنیته شدن اشاره کرد. زنان خصوصاً مادران با این آسیب‌ها ارزش‌های دینی بدیل با ارزش‌های مادی و غربی خواهد کرد و موجب فردگرایی و مصرف‌گرایی افراطی خواهد شد و در نتیجه تمرکز وی بر تربیت فرزندان کاهش می‌یابد. موانع سیاسی و اجتماعی نیز موجب تضعیف خواهد شد؛ مثل تفاوت‌های حقوقی و اقتصادی.



فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه مکارم آیت‌الله ناصر شیرازی.

آشوری، داریوش (۱۳۵۷). فرهنگ علوم سیاسی، بی‌جا، مروارید.

حرانی، ابن شعبه (۱۳۸۲). تحف العقول، مترجم: صادق حسن‌زاده، چاپ اول، قم، انتشارات آل علی علیه السلام.

حسن‌زاده، صالح (۱۳۹۲). «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلام»، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۴، شماره ۱۵، ص ۴۵-۶۸.

حلی، محقق، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان.

خمینی، سید روح‌الله موسوی (بی‌تا). تحریر الوسیلة، قم، مؤسسه دارالعلم.

خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۳). الفقه الاسلامی، قم، انتشارات آستان قدس.

خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷). موسوعة الإمام الخوئی، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.

دارابکلائی، اسماعیل (۱۳۸۸). فلسفه سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب.

درویش، محمدرضا (۱۳۸۹). «مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری دین‌داران»، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۳۷، ص ۴۵-۵۱.

شمس، حسن، (۱۳۹۰). «شیوه‌های شرکت دادن کودکان در مجالس مذهبی»، قابل دسترسی در:

<https://shams47.blogfa.com>

صادقی گیوی، فاطمه (۱۳۸۱). «اخلاق اصالت»، روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۸، شماره پیاپی ۳۰، ص ۱۷۱-۲۰۲.



طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق، قم، انتشارات الشریف الرضی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۸). المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ دوم، تهران، المكتبة المرتضویة.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). الخلاف، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

طهرانی مقدم، حامد؛ مهدی شریعت باقری (۲۰۱۷). «مسئولیت پذیری و راهکارهای ارتقای آن در نوجوانان دانش آموز»، قابل دسترسی در: <file:///C:/Users/Hooshmand/Documents>

عمارلو، مرتضی (۱۴۰۳). «تبیین احترام به حقوق دیگران از نظر فقه امامیه و حقوق ایران»، در: اولین همایش ملی تأثیر متقابل حقوق بین الملل و حقوق داخلی در توسعه قوانین، قابل دسترسی در:

<https://civilica.com>

فیاض کابلی، محمداسحاق (۱۴۲۶). المسائل المستحدثة، کویت، مؤسسه مرحوم رفیع حسین.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱). اصول الکافی، بیروت، دار المعارف للمطبوعات.

گلیپاگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۲). الدر المنضود فی أحكام الحدود، قم، دار القرآن الکریم.

مترجمان (۱۳۷۷). ترجمه تفسیر جوامع الجامع، چاپ دوم، مشهد، پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

متقی هندی، حسام الدین (۱۴۰۹). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بی جا، الرسالة.



مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰). بحار الأنوار، قم، مؤسسه الطبع والنشر.

مردم‌سالاری دینی سایت محسن کدیور (۱۴۰۳)، بی تا، قابل دسترسی در: <https://kadivar.com>

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸). احکام النکاح، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲ ش). استفتانات امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی رحمته الله.

مولانا، حمید (۱۳۸۰). ظهور و سقوط مدرن، تهران، کتاب صبح.

میراحمدی، منصور (۱۳۸۶). «نظریه انتقادی نو، نظم دموکراتیک مشورتی و الگوی مردم‌سالاری

دینی». شماره ۱، سال سوم، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ص ۱۹۳-۲۲۶.

میراحمدی، منصور (۱۳۸۸). نظریه مردم‌سالاری دینی: مفهوم، مبانی و الگوی نظام سیاسی،

تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

نظری، حامد؛ محمدرضا علم؛ سید محسن آل‌غفور (۱۳۹۲). «فرهنگ سیاسی زنان شیعه (با

تأکید بر نقش انقلاب اسلامی ایران)»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال چهارم، شماره

هفدهم، ص ۷۵-۹۲.

یاوری وثاق، مهدیه (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی فرهنگی فناوری‌های مدرن در خانواده و نقش

رسانه‌های جمعی»، رسانه و خانواده، دوره ۱، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۱، ص ۵۱-۳۶.

یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۰۹). العروة الوثقی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

مهدی ابوطالبی (۱۳۹۲). چهار شاخص برای مردم‌سالاری دینی. قابل دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir>

هاشمی (۱۴۰۳). والدگری دموکراتیک: رویکردی نوین در تربیت فرزندان، قابل دسترسی در:



<https://moshaverinhamrah.com>

www.abadis.ir

